

ترفندهای بومی‌سازی در ترجمه فارسی فیلم‌های کارتونی: «رئیس مزرعه»، «شنل قرمزی»،
و «پاندای کونگ‌فوکار»

عباس امام (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

abassemaam@yahoo.com

Doi: 10.22067/61830

چکیده

اکثریت قریب به اتفاق مطالبی که تا کنون در گستره جهان و نیز در سطح کشور ما در زمینه ترجمه نوشته شده و می‌شود، درباره مسائل مرتبط با ترجمه کتبی است و با وجود گسترش روزافزون و پرشتاب ترجمه دیداری شنیداری^۱، از بررسی مسائل و مشکلات و چند و چون این گونه ترجمه، کمتر نامی به میان می‌آید. به‌عنوان مثال، می‌دانیم که در حال حاضر در کشور ما، ترجمه ده‌ها فیلم و سریال از/ به زبان‌های مختلف، دوبله آن‌ها، و نیز زیرنویسی برای برخی از این همه فرآورده‌های دیداری-شنیداری، هم مخاطبان میلیونی دارد و هم تأثیرات زبانی فرهنگی بسیار، و هم انجامشان ده‌ها نفر و چندین نهاد دولتی و غیردولتی را به خود مشغول داشته است. ولی حقیقت این است که در زمینه آموزش و پژوهش مسائل این حوزه تخصصی، متأسفانه تناسبی بین عمل گسترده و نظریه‌پردازی اندک در آن باره دیده نمی‌شود. این نوشتار، تلاشی است خرد در راستای جبران این کاستی کلان. نویسنده کوشیده است تا با بررسی فیلم‌نامه و ترجمه فارسی سه فیلم کارتونی «پاندای کونگ فوکار»، «شنل قرمزی» و «رئیس مزرعه»، چگونگی به‌کارگیری «ترفندهای بومی‌سازی» مترجمان و نیز صداپیشگان (دوبلورها) ایرانی را در آن‌ها مد نظر قرار دهد و نوعی «دسته‌بندی هشت‌گانه» برای «جایگزین‌سازی» تدوین و عرضه نماید. نتایج پژوهش نشان داد که مترجمان و صداپیشگان ایرانی با هدف عمده «سرگرم‌سازی مخاطب» می‌کوشند تا در ترجمه‌های خود عمدتاً از یکی یا ترکیبی از «ترفندهای هشت‌گانه» مورد اشاره این نوشتار استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، ترجمه دیداری-شنیداری، بومی‌سازی، جایگزینی، ترفند، سرگرم‌سازی.

1. Audio-Visual Translation

۱. مقدمه

تقریباً از اواخر قرن بیستم به بعد، جهان وارد دوران جدیدی از فعالیت‌های ترجمه محور شد: گذار از «ترجمه کتبی» و «ترجمه شفاهی»، به سمت «ترجمه رسانه محور». البته، ما هنوز هم در سطح جهان به طور عام، در حال تجربه کردن این دوران گذار هستیم؛ دورانی پرشتاب از ترجمه، دوبله، صداگذاری، زیرنویسی و سایر این گونه فعالیت‌ها در مورد صداها فیلم، سریال و برنامه‌های مستند گوناگون تلویزیونی و چندرسانه‌ای.

به همین دلیل است که امروزه با پدیده‌های تازه‌ای در فضای رسانه روبه‌رو هستیم؛ به‌عنوان

مثال:

۱. انواع گوناگون بازی‌های رایانه‌ای مبتنی بر پاره‌ای فیلم‌های سینمایی یا سریال‌ها و برنامه‌های پرطرفدار تلویزیونی؛

۲. پیدایش تارنماهای رسمی برای برخی فیلم‌های سینمایی یا سریال‌ها و برنامه‌های پرطرفدار تلویزیونی؛

۳. زیرنویسی به یک یا چندزبانه برای برخی فیلم‌ها و سریال‌ها؛

۴. زیرنویسی برنامه‌های رسانه‌ای به منظور کمک به افراد ناشنوا یا دارای نقص شنوایی؛

۵. بهره‌گیری گسترده از زبان اشاره در پاره‌ای از برنامه‌های رسانه‌ای؛

۶. رشد فزاینده کانال‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و اینترنتی؛

۷. رواج برنامه‌های تلویزیونی سازگار با تلفن‌های همراه یا سایر وسایل ارتباطی جدیدتر؛

۸. رواج هرچه گسترده‌تر پخش‌کننده‌های قابل حمل و مینیاتوری DVD، Mp3 و نظایر

آن‌ها؛

۹. گسترش پاره‌ای برنامه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و اینترنتی دارای قابلیت ترجمه همزمان

به چندین زبان متفاوت؛

۱۰. گسترش فزاینده نرم‌افزارهای برگردان مطالب گفتاری به قالب نوشتاری.

برای بحث مفصل‌تر و همه‌جانبه درباره این گونه‌های حوزه ترجمه دیداری شنیداری توصیه

می‌شود.

به أرو^۱ (۲۰۰۴)، دیاز-سینتاس^۲ (۲۰۰۸)، چیارو^۳ (۲۰۰۹) و پرز گنزالز^۴ (۲۰۱۱) مراجعه کنید.

۲. وضعیت فعلی ترجمه دیداری شنیداری در ایران

با توجه به گسترش فراگیر و در عین حال فزاینده رسانه‌های دیداری شنیداری گوناگون در قالب سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای گوناگون، جای شگفتی نیست که ببینیم این رسانه‌ها و برنامه‌هایشان در بین اقشار مختلف جامعه ایران، در میان رده‌های سنی مختلف و تا دورترین شهرها و روستاهای کشور نفوذ کرده و دارای کاربران و علاقه‌مندان بسیاری هستند. در کنار کاربرد گسترده ترجمه و دوبله این مواد و مطالب دیداری شنیداری، شاهد فعالیت‌های عملی مترجمان فیلم‌نامه‌ها به فارسی (و گاه به سایر زبان‌های رایج در کشور)، دوبله آثار در تعداد زیادی استودیوهای دولتی و غیردولتی، زیرنویسی برای آن‌ها و سایر این گونه موارد نیز هستیم به نحوی که در این بازار-صنعت پویا، صدها تن به‌عنوان تولیدکننده و میلیون‌ها تن به‌عنوان کاربر یا مصرف‌کننده درگیر هستند.

از سوی دیگر، در زمینه پژوهش زبان‌شناختی و ترجمه‌محور در این حوزه وسیع، متأسفانه در نشریات تخصصی مربوط ایرانی کارنامه پرباری به چشم دیده نمی‌شود. به‌عنوان مثال، در دو نشریه معتبر و تخصصی ترجمه‌پژوهی کشور، یعنی فصلنامه «مترجم» و فصلنامه «مطالعات ترجمه» (هرکدام با بیش از ۲۰ سال سابقه)، حتی پنج تا ده مقاله نیز در این زمینه به چاپ نرسیده است، در حالی که در همان دوره زمانی، ده‌ها مقاله در حوزه ترجمه‌شناسی کتبی به چاپ رسیده است. این کاستی‌ها، در حالی است که به‌نظر می‌رسد پژوهش‌های بسیاری از جنبه نشانه‌شناسی، مطالعات میان‌فرهنگی، پژوهش‌های رسانه‌محور، تهیه و تدوین برنامه‌ها و نرم‌افزارهای مربوط، و نیز گونه‌شناسی تطبیقی و مقابله‌ای^۵ می‌تواند.

1. Orero
2. Diaz Cintas
3. Chiaro
4. Perez Gonzalez
5. Comparative & Contrastive Genre-Analysis

در چارچوب نیازهای خاص جامعه فارسی‌زبان ایران (و سایر کشورهای فارسی‌زبان منطقه) صورت گیرد، مانند:

- بومی‌سازی نرم‌افزارهای غیر ایرانی / فارسی (چه از جنبه فناوری و چه از نظر زبانی فرهنگی)
- بررسی چگونگی تأثیر تحولات فناوری چندرسانه‌ای بر گونه‌های سنتی و متعارف ترجمه دیداری شنیداری

- بررسی ابعاد حقوقی و اخلاقی ترجمه‌های دیداری شنیداری
- کندوکاو دقیق در چگونگی سنجش و ارزیابی کیفی ترجمه‌های دیداری شنیداری کشور

- آموزش مترجمان دیداری شنیداری و چالش‌های آن
- مزایا (یا معایب) آموزش زبان‌های خارجی از طریق ترجمه دیداری شنیداری
- محاسن (یا آسیب‌های) ترجمه‌های دیداری شنیداری (درون‌زبانی و میان‌زبانی) به‌عنوان ابزارهای آموزشی زبان دوم/خارجی
- امکان و ارزش برقراری ارتباط و تعامل سازنده میان دست‌اندرکاران حرفه‌ای ترجمه دیداری شنیداری و پژوهشگران علمی-دانشگاهی
- جهانی‌سازی و فرآیندهای ترجمه دیداری شنیداری (به فارسی)
- بررسی تاریخی عملکرد مترجمان دیداری شنیداری ایرانی، فعالین این حوزه، و برجستگی‌های حرفه‌ای هر یک از آنها

۳. ترفندهای بومی‌سازی در ترجمه و دوبله فیلم‌های انیمیشن: پیشینه پژوهش

به‌گفته‌ی نوتی (۱۹۹۵، ص. ۲۰) یکی از صاحب‌نظران برجسته ترجمه‌پژوهی و به پیروی از فیلسوف آلمانی شلایرماخر^۱، «فرآیند بومی‌سازی، عبارت است از تبدیل قوم‌محور یک متن بیگانه به ارزش‌های فرهنگی زبان مقصد به‌نحوی که گویی پدیدآورنده اصل اثر، مخاطبان فضای فرهنگی‌زبانی جامعه مقصد را مد نظر داشته است». به این ترتیب، می‌بینیم که فرآیند

1. Schleiermacher

بومی‌سازی، نوعی دستکاری و دخل و تصرف در یک اثر و بازنویسی (یا بازآفرینی) آن به نفع مخاطبان زبان و فرهنگ مقصد است. همچنین، صاحب‌نظری دیگر در مورد جنبه دیگری از این موضوع این‌گونه اظهار نظر کرده است «ترجمه یک اثر، ممکن است از پاره‌ای جهات به صورتی اساسی ریشه در هنجارهای زبان و فرهنگ مبدأ داشته باشد، ولی ممکن است همان ترجمه از پاره‌ای جنبه‌های دیگر به شکلی بنیادین از اصل اثر فاصله بگیرد تا بتواند در فرهنگ و زبان مقصد پذیرفتنی و جا بیافتد» (تیموژکو^۱، ۱۹۹۵، ص. ۲۱). منابع جدیدتر نیز دیدگاه‌هایی کمابیش مشابه مطرح کرده‌اند مانند آلیچ^۲، ۲۰۰۰ و رامیری^۳، ۲۰۰۶.

واقعیت این است که کارگردان‌های آمریکایی و اروپایی جزء اولین کسانی بودند که به موضوع موانع زبانی و مشکلات دوبله فیلم‌های انیمیشن و کارتونی علاقه‌مند شدند (چیارو^۴، ۲۰۰۹) ولی بعدها پژوهشگرانی دیگر نیز به کندوکاو در این زمینه کشیده شدند، به‌گونه‌ای که پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد امروزه و در آغاز قرن بیست و یکم مطالعات ترجمه‌پژوهی در این زمینه از حوزه‌های رو به رشد این‌گونه پژوهش‌هاست (دنتون و سیامپی^۵، ۲۰۱۲). در این بخش به برخی از این پژوهش‌ها و یافته‌های آن‌ها به اختصار اشاره خواهد شد:

یکی از این گونه پژوهش‌ها، توسط هلگرن^۶ (۲۰۰۷) صورت گرفت که وی طی پژوهش خود، کاربرد تلمیحات و کنایه‌ها^۷ در فیلم کارتونی «خانواده سیمپسون‌ها»^۸ را مورد مطالعه قرار داد. پژوهش دیگر، توسط گال^۹ (۲۰۰۸) صورت گرفت، که وی در پژوهش خود دو ترجمه رومانیایی و مجارستانی فیلم کارتونی «فرار مرغ‌ها» یا «فرار جوجه‌ای»^{۱۰} را در مقایسه با اصل انگلیسی آن مورد ارزیابی قرار داد. وی علاوه بر نتایج دیگر، متوجه شد که در بیشتر موارد ترجمه طنزهای کلامی و بازی با کلمات خوب از آب در نیامده است. یک پژوهشگر دیگر به

1. Tymoczko
2. Ulrych
3. Ramieri
4. Chiaro
5. Denton & Ciampi
6. Hellgren
7. Allusions
8. The Simpsons
9. Gall
10. Chicken Run

نام پروزیاک^۱ (۲۰۰۹) به تغییرات مفهومی در ترجمه طنزهای کلامی ترجمه لهستانی فیلم پرترفدار «شِرک^۲» پرداخت. برزینسک^۳ (۲۰۱۲) نیز ترجمه لهستانی چند فیلم کم‌دی کارتونی را مورد پژوهش قرار داد، و با بررسی یک پیکره زبانی متشکل از یکصد گفتگوی نمایشی پی برد که در این مجموعه، پرکاربردترین راهکارها عبارت‌اند از «محلی‌سازی^۴» و «خلاقیت زبانی». همچنین، سونگ^۵ (۲۰۱۲) با بررسی مسائلی مرتبط با ایدئولوژی حاکم، ذهنیت فرهنگی بومی و نقش فعال مترجم در گزینش زبانی خلاق، این نکته را مطرح کرد که براساس معیارهای رایج فرهنگی، می‌بایستی زبان کارتونها را متناسب با سن و هویت فرهنگی اخلاقی کودکان و نوجوانان هر جامعه معین تعیین کرد، ولی در عین حال باید کوشید تا ترجمه و دوبله از نظر هنری، فرهنگی و زبانی دچار آسیب نشود و برای مخاطبین جامعه مقصد نیز جذابیت داشته باشد. پژوهشگری به نام ناچکبیا^۶ (۲۰۱۲) نیز با کندوکاو در ترجمه گرجستانی فیلم «مادآگاسکار»، به این نکته پی برد که نسخه گرجستانی این فیلم در حقیقت اقتباسی از اصل اثر بوده و پر است از اصطلاحات عامیانه و لهجه‌های محلی که کارتونها را برای مخاطب مناسب‌تر کرده و استفاده از تلمیحات نیز تأثیر سرگرم‌کنندگی فیلم و شدت بومی‌سازی آن را دوچندان کرده است.

بررسی‌های نگارنده در منابع ایرانی نیز نشان می‌دهد که در این زمینه به جز چند مقاله و پایان‌نامه محدود، ظاهراً کاری صورت نگرفته است. مقاله اول، به قلم پرینا قمی (۱۳۸۸) است؛ دومی، پایان‌نامه‌ای به قلم پریسا جوادی (۲۰۱۰) و مورد سوم، مقاله‌ای نوشته جمالی منش، فتح‌اللهی و راهخدا (۲۰۱۰) می‌باشد. در مقاله قمی، پس از مقایسه متن اصلی با ترجمه و دوبله فارسی شش اثر کارتونی، مشاهده شد که در فرآیند ترجمه و دوبله از هفت استراتژی استفاده شده است: بسط، نقل به مضمون، انتقال، جابجایی، حذف نسبی^۷، تکرار، و حذف. ضمناً، این موضوع به اثبات رسید که در این فرآیند، هنجارهای همزمان‌سازی (مانند همزمان‌سازی

-
1. Bruzdziak
 2. Shrek
 3. Burczynska
 4. Localization
 5. Song
 6. Nachkebia
 7. Decimation

حرکات لب، یکسان‌سازی حرکات لب، همزمان‌سازی کنشی و همسان‌سازی شخصیتی) نیز در تصمیم‌گیری‌های مترجم و دوبلور نقش بس مهمی ایفا می‌کنند.

جوادی (۲۰۱۰) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود که در زمینه موضوع طنز و طنزپردازی در کارتون‌های دوبله‌شده فارسی است، کوشیده تا با بهره‌گیری از مدل ترجمه وینی و داربلنه^۱ (۱۹۹۵)، درصد بار طنز تعبیّرات طنزآمیز دوبله فارسی را با اصل انگلیسی آن‌ها مقایسه کند. همچنین، در مقاله جمالی‌منش، فتح‌اللهی و راهخدا (۲۰۱۰) تلاش شده تا با انجام پژوهشی تجربی بر اساس تجزیه و تحلیل دو فیلم زیرنویس‌شده دوبله فارسی (Ring1 و Ring2)، نوع راهبردهای تصریح، معین شده و سپس دسته‌بندی شوند. نتایج این پژوهش نشان داد که برخلاف تصور و با وجود محدودیت‌های شدید زمانی، در این نوع ترجمه دیداری‌شنیداری از راهکار تصریح استفاده شده است.

۴. روش‌شناسی

۴.۱. هدف پژوهش، پرسش‌ها، چارچوب نظری و شیوه انجام پژوهش

با توجه به آنچه در بالا درباره اهمیت روزافزون گسترش و محبوبیت فیلم‌های کارتونی در میان ملل مختلف، اقشار سنی و رده‌های اجتماعی گوناگون، و به‌ویژه کودکان و نوجوانان گفته شد، ما نیز در این نوشتار بر آن هستیم تا در پرتو چارچوب نظری مباحث مرتبط با «بومی‌سازی» ونوتی، ۱۹۹۵، آریخ، ۲۰۰۰ و رامیری، ۲۰۰۶ چگونگی و ابعاد به‌کارگیری «ترفندهای بومی‌سازی» در ترجمه و دوبله این گونه فیلم‌ها در جامعه فارسی زبان ایران را مورد بررسی و کندوکاو قرار دهیم و همچنین نوعی دسته‌بندی نیز برای آن‌ها ارائه دهیم. ضمناً، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد در جامعه فارسی‌زبان به جز منابع بالا، در این زمینه کاری درخور صورت نگرفته است. در هر حال، ما در اینجا با دو پرسش اساسی روبه‌رو هستیم:

۱. ترفندهای بومی‌سازی در فیلم‌های کارتونی دوبله‌شده به فارسی کدامند؟

۲. پرکاربردترین ترفند بومی‌سازی در فیلم‌های کارتونی دوبله‌شده به فارسی کدام است؟

برای دستیابی به این هدف و یافتن پاسخ پرسش‌های پیش‌گفته، سه فیلم کارتونی دوبله‌شده

1. Vinay& Darbelne

به فارسی انتخاب شد: «رئیس مزرعه»، «شنل قرمزی» و «پاندای کونگ فوکار». سپس، متن اصلی فیلم‌نامه انگلیسی هریک از سه فیلم نامبرده از منابع اینترنتی^۱ مربوط دریافت گردید. بعد، هر یک از این فیلم‌نامه‌ها، بصورت مستقل با ترجمه و دوبله فارسی آن‌ها مقایسه شد تا بتوان داده‌های پژوهش را در قالب یک پیکره زبانی مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. به این ترتیب، این پژوهش یک پژوهش توصیفی است که در پی تشخیص و تعیین ترفندهای بومی‌سازی در این گونه فیلم‌های دوبله‌شده فارسی است.

۲.۴. ویژگی‌های سه فیلم کارتونی مورد نظر این پژوهش

جدول ۱. ویژگی‌های سه فیلم کارتونی مورد نظر این پژوهش

عنوان اصلی	عنوان فارسی	سال تولید	زمان پخش فیلم	کارگردان	مؤسسه ترجمه/دوبله‌کننده فیلم
Barnyard	رئیس مزرعه	۲۰۰۶	۸۲ دقیقه	استیو ادکرک	پخش دنیای هنر
Hoodwinked	شنل قرمزی	۲۰۰۵	۸۰ دقیقه	کوری ادواردز	مؤسسه رسانه‌های تصویری
Kung Fu Panda	پاندای کونگ فوکار	۲۰۰۸	۹۲ دقیقه	مارک آزبورن	انجمن گویندگان جوان تهران

چکیده داستانی این سه فیلم به این ترتیب است که «رئیس مزرعه»، بخشی از زندگی گاوی است به نام «اوتیس»؛ گاوی بی‌خیال و فاقد احساس مسئولیت. پدر اوتیس، به نام «بن»^۲، رئیس مزرعه است و به پسرش نصیحت می‌کند که «باید برای خودت مرد شوی»، تا این که یک شب «بن» با یک گله گرگ که به لانه مرغ و جوجه‌های مزرعه حمله ور شده اند، درگیر می‌شود. در این کشمکش، «بن» کشته می‌شود، و از آن به بعد «اوتیس» مسئول امنیت مزرعه می‌شود. این کار برای اوتیس چالش بزرگی است؛ چرا که باید همواره آماده درگیری با گرگ‌ها باشد. در آغاز، این کار برایش ساده نیست ولی با همکاری دوستانش موفق می‌شود با دشمنان مزرعه مقابله کرده و جان خود و سایر ساکنان آنجا را از خطر نجات دهد. داستان فیلم «شنل

۱. برگرفته از: WWW.Veryabc.COM و WWW.IMSDB.COM

2. Otis

3. Ben

قرمزی» نیز این است که دستورالعمل‌های شیرینی‌پزی یک شیرینی‌فروشی را دزدیده‌اند و به همین دلیل حیوانات زیادی که در شیرینی‌فروشی کار می‌کنند از کار بی‌کار می‌شوند. در حالی که نیروهای پلیس در تعقیب مجرمان هستند در خانه مادر بزرگ اوضاع به هم می‌ریزد، و شنل قرمزی، آقا گرگه، هیزم‌شکن و مادر بزرگه آرامش جنگل را برهم می‌زنند. بعد، پلیس همه را دستگیر می‌کند و در اینجاست که هر کدام از متهمان روایت خود از ماجرا را بیان می‌کند. ماجرای فیلم «پاندای کونگ فوکار» نیز زندگی خرسی است مسخره و درشت هیکل به نام «پو» که عاشق ورزش کونگ فو است، هرچند عملاً با رموز آن آشنایی ندارد. دلیل عدم آشنایی وی با فوت و فن‌های این هنر رزمی نیز این است که تمام طول روز را ناچار است در مغازه آش‌فروشی پدرش کار کند و همین امر باعث می‌شود نتواند خودی نشان دهد؛ اما بعد، ناگهان آرزوهایش به واقعیت می‌پیوندد چرا که با گروه افسانه‌ای «پنج دلاور آتشین» آشنا می‌شود و زیر نظر استاد آن‌ها «شیفو»، شروع به یادگیری اصول و فنون رزمی کونگ فو می‌کند. در نقطه مقابل آن‌ها ببری کینه‌توز به نام «تای لانگ» قرار دارد و پو ناچار می‌شود برای دفاع از خود در برابر او فنون را به کار بسته و مبارزه کند. سرانجام، این قهرمان نامطمئن موفق می‌شود تا بر ترس خود غلبه کند و متوجه می‌شود که بزرگ‌ترین نقطه ضعف او در واقع بزرگترین نقطه قوت اوست.

۵. تحلیل داده‌ها و نتایج

برای یافتن پاسخ پرسش‌های تحقیق، متن فیلم نامه‌های هر سه فیلم به دو زبان اصلی انگلیسی و ترجمه فارسی آن‌ها (به‌عنوان پیکره اصلی پژوهش) مورد بررسی قرار گرفت تا دریابیم که مترجمان (و درعمل، مدیران دوبلاژ/صداپیشگی) در راستای باورپذیر ساختن و دل‌پسندتر کردن هرچه بیشتر فیلم‌های غربی برای مخاطب فارسی زبان ایرانی، از چه ترفندهایی برای «بومی‌سازی» استفاده می‌کنند. در این راستا، مواردی که یا در اصل متن انگلیسی یا در ترجمه فارسی فیلم‌نامه دارای بار فرهنگی بومی تشخیص داده شد معین گردیدند. نتایج کار نشان داد که مترجمان ایرانی برای تحقق این رویکرد و برای بومی‌سازی عناصر فرهنگی

گوناگون متفاوت با فرهنگ و زبان ایرانی/فارسی، عمدتاً از راهکار «جایگزین سازی» در قالب یکی یا ترکیبی از «هشت ترفند» زیر استفاده می‌کنند:

جدول ۲. جایگزین کردن خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های غربی با خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های بومی ایران

شماره	اصل انگلیسی خوراکی یا آشامیدنی	معادل بومی ایرانی خوراکی یا آشامیدنی	عنوان فیلم
۱	Chocolate icing	خامه شکلاتی	شنل قرمزی
۲	Snickers-doodles	نون قندی	شنل قرمزی
۳	Donut	پیراشکی	شنل قرمزی
۴	Short bread	کیک یزدی	شنل قرمزی
۵	Noodle	آش رشته	پاندای کونگ فو کار
۶	Bean bun	حلیم	پاندای کونگ فو کار
۷	Almond cookie	کلوچه	پاندای کونگ فو کار
۸	Dice-cut vegetables	آش شله قلمکار	پاندای کونگ فوکار
۹	Rump roast	آبگوشت گاوباش	رئیس مزرعه
۱۰	Machaca	تاس کباب	رئیس مزرعه
۱۱	Miss rosy cake	نقل و نبات	رئیس مزرعه
۱۲	Little pudding pop	قندک کوچولو	رئیس مزرعه
۱۳	Cider	شربت سیب	رئیس مزرعه

جدول ۳. جایگزین کردن لهجه اجتماعی انگلیسی با لهجه‌ای ایرانی

شماره	اصل انگلیسی لهجه اجتماعی	لهجه اجتماعی مشابه بومی ایرانی	عنوان فیلم
۱	What are you doing?	تو چکار داری م کنی؟ [می کنی؟]	پاندای کونگ فوکار
۲	What does it look like I m doing?	چکار دارم م کنم؟	پاندای کونگ فوکار
۳	What?	بله؟	پاندای کونگ فوکار
۴	How did I do?	چکار بکنم م؟	پاندای کونگ فوکار
۵	I don t understand.	م که شرفم [شیر فهم] نمی شوم	پاندای کونگ فوکار
۶	What s that noise you are making?	چکار م کنید؟ سر و صدا م کنید؟	پاندای کونگ فوکار
۷	What?	نگام کنی؟	پاندای کونگ فوکار

۸	Broth runs deep in our veins.	خون شله تو رگامونه.	پاندای کونگ فوکار
۹	You ll sell noodles to all of them	تو هم م تونی حسابی آش بوفورشی [بفروشی]	پاندای کونگ فوکار
۱۰	That settles it.	ای فیصله ش بید [بود]	پاندای کونگ فوکار
۱۱	Thanks.	ممنان! [ممنون]	پاندای کونگ فوکار
۱۲	Dude ,I love parties.	پسر! م عاشق میمانی ام [مهمانی ام]	پاندای کونگ فوکار
۱۳	Yeah?	بوگو! بوگو! [بگو! بگو!]	پاندای کونگ فوکار
۱۴	You boys just steer clear of Otis, all right?	شو ماها [شماها] بهتره دور و بر اووتیس نپلکین! حله؟!]	رئیس مزرعه
۱۵	Never! You are all gonna die!	آره ، تو نمیری زایدی!	رئیس مزرعه
۱۶	Wait a second! Photo!	جلسه کون [کن [بیبینیم [بیبینیم] بابا، اول عکس بیگیریم [بگیریم] بعد...	رئیس مزرعه
۱۷	What? What? What happened?	اوا، اوا، چرا همچی شد؟	رئیس مزرعه
۱۸	You didn t do that..	ای زبونتو مار بزنه !	رئیس مزرعه
۱۹	These are ruthless and desperate creatures!	یه مش [مشت] نالوطی سنگدل و بی مروت!	رئیس مزرعه
۲۰	Second item, and number three	مسله دویم [دوم] بعدش مسله سیم [سوم]	رئیس مزرعه
۲۱	Ok, Let s hit it.	پرایض تموم [تمام]	رئیس مزرعه
۲۲	Wrong number!	اشتب [اشتباه] گرفتی!	رئیس مزرعه
۲۳	Great!	حرف نری [نداری]!	رئیس مزرعه

جدول ۴. جایگزین کردن یک تعبیر غیراصطلاحی انگلیسی با یک تعبیر اصطلاحی فارسی

شماره	تعبیر غیراصطلاحی انگلیسی	تعبیر اصطلاحی ایرانی/فارسی	عنوان فیلم
۱	You ll get all wet.	موش اب کشیده می شی!	شنل قرمزی
۲	You got it.	زدی تو خال!	شنل قرمزی
۳	Come up with that yourself?	شیرت خشک نشه وقت؟!]	شنل قرمزی

۴	Yeah.	گل گفتی!	شنل قرمزی
۵	You got me.	مچمو گرفتی!	شنل قرمزی
۶	You sure this is the right place?	مطمئنی سرکار نیستیم؟!	شنل قرمزی
۷	I can t believe.	توو کتم نمی ره!	شنل قرمزی
۸	This is not my responsibility.	من اصلا ریخت این حرفا نیستم! این هندونه مال زیر بغل ما نی!	رئیس مزرعه
۹	Stop it!	حرفای صد من ی غاز نزنین!	رئیس مزرعه
۱۰	You know what I m talking about.	زکی! ماروباش با کی اومدیم سبزه به در!	رئیس مزرعه
۱۱	Cows don t like houses much. They prefer it out there in the meadow.	خب ، حوصله شون سر رفته دیگه زن، سر چراغی رفتن بیرون ی دوری بزنین.	رئیس مزرعه
۱۲	Nothing can touch us.	معلومه تویم نمی تونه تکونمون بده!	رئیس مزرعه
۱۳	Oh, that s nice, good.	گل بود و به سبزه نیز آراسته شد!	رئیس مزرعه
۱۴	You look the other way.	شتر دیدی، ندیدی!	رئیس مزرعه
۱۵	You have a lot to learn.	تا گوساله گاو شود!	رئیس مزرعه
۱۶	When I was young and crazy.	وقتی جوون بودم و کله م بوی قرمه سبزی می داد!	پاندای کونگ فوکار
۱۷	We all have our places in the world.	هر کسی را بهر کاری ساختندا!	پاندای کونگ فوکار
۱۸	Maybe I just quit and go back making noodles.	شاید بهتره بی خیال شم و برم کشکمو بسابم!	پاندای کونگ فوکار
۱۹	Quit, don tquit, noodles, don tnoodles.	بی خیال شی یا نشی، آش کشک خالته!	پاندای کونگ فوکار
۲۰	We are dead, so dead, very dead.	کارمون ساخته س! دخلمونو آوردن!	پاندای کونگ فوکار
۲۱	Don t worry Master!	بد به دلت را نده!	پاندای کونگ فوکار
۲۲	He turned bad, and now he is in jail.	توو زرد ار آب دراومد و بعد افتاد توی هلفدوونی!	پاندای کونگ فوکار
۲۳	I can t even beat you to the stairs.	من حتا نمی تونستم تمبونو بالا بکشم!	پاندای کونگ فوکار
۲۴	I ve done awesome.	گل کاشتم!	پاندای کونگ فوکار
۲۵	Don t tempt me.	اون روومو بالا نیار!	پاندای کونگ فوکار

جدول ۵. جایگزین کردن تعبيرات غير اصطلاحی انگلیسی با برساخته های اصطلاحی و عامیانه فارسی

شماره	تعبیر غیر اصطلاحی انگلیسی	تعبیر برساخته اصطلاحی یا عامیانه فارسی	عنوان فیلم
۱	The Furious Five bowed in respect to this great Master.	پنج آتشین به علاوه منهای یک به این استاد جلیل شهناز احترام می گذاشتند.	پاندای کونگ فوکار
۲	You were dreaming about noodles?	دیگه خواب نبود تو ببینی، قلمبه!	پاندای کونگ فوکار
۳	My son	تپلکم!	پاندای کونگ فوکار
۴	It s tables 2, 5, 7 and 12.	هفلشتا غذا باید ببری!	پاندای کونگ فوکار
۵	The sword of heroes	شمشیر لینچان	پاندای کونگ فوکار
۶	I guess so.	چاکر، غلام شما!	پاندای کونگ فوکار
۷	No, no , no .	نه. جوون مادرت این کارو نکن!	پاندای کونگ فوکار
۸	Yeah . We re clear, we are so clear .	شیر فم شدم. ! خرس فم شدم! پاندا فم شدم!	پاندای کونگ فوکار
۹	How s that?	آدم نمی دونه روی این ماریپیچیا بندری برقصه یا الویه!	پاندای کونگ فوکار
۱۰	That was awesome . Let s go again.	آخ پاندا پلو شدم. آخ، جوون اضافه	پاندای کونگ فوکار
۱۱	Of course it s Shifu. What do you think I m doing?	معلومه که شیفوئه. پس، فکر کردین بیف پیفوئه؟	پاندای کونگ فوکار
۱۲	Feeling a little nauseous?	آبگوشت کوبیده شدم!	پاندای کونگ فوکار
۱۳	That Kung Fu stuff	این ژانگولر بازی	پاندای کونگ فوکار
۱۴	Yeah, excellent !	مرگ من! چاکرم!	پاندای کونگ فوکار
۱۵	Outnumbered a thousand to one, but you didn t stop .	یه نیگا به چپ، یه نیگا به راست. زدی تو چشش، لنگ تو هوا، لگد به عقب	پاندای کونگ فوکار
۱۶	Oh, sorry about that .	آخ، اوخ، جر خورد این!	پاندای کونگ فوکار
۱۷	Pig .	خیکی!	رئیس مزرعه
۱۸	Just take a seat .	ببند فک رو!	رئیس مزرعه
۱۹	Little tight .	اتل متل تلمبه، بکش کنار قلمبه!	رئیس مزرعه
۲۰	Thank you.	سمبت درس!	رئیس مزرعه
۲۱	Manabunga !	بکش کنار، گاوی نشی!	رئیس مزرعه
۲۲	See, I learn .	دیدی گوساله ت گاوشد؟ زت یاد!	رئیس مزرعه
۲۳	I m sorry about that .	وای، خیلی خیلی شرمنده. خاک به گورم. درد و بلات به کاسه سرم!	رئیس مزرعه

۲۴	Come here fisherman .	ای پدر سوخته !	رئیس مزرعه
۲۵	Wild Mike !	دی جی پشمک !	رئیس مزرعه
۲۶	That doesn t apply to this . This is a totally ,situationally different suspect .	موقع خوش خوشان و عشق و حالتون ما می شیم حمال و کار را بنذاز ! موقع بدبختی می شیم رئیس؟ آره ؟ زر او مدی، قورمه سبزی !	رئیس مزرعه
۲۷	I love the smell of the bacon .	من عاشق غذا های حیوونی ام. گوسفند و بز نیستم که علف و یونجه بخورم !	رئیس مزرعه
۲۸	It s not like we have a lot of options.	الاغم ! پروفیسور که نیستم ! راه دیگه ای نیس !	رئیس مزرعه
۲۹	Then , hello , party .	بعدم، دیمبالو دیمبول !	رئیس مزرعه
۳۰	I smell buttermilk .	بوی یونجه سبزی میاد !	رئیس مزرعه
۳۱	We are rebels . We are the wildest .	ما الاغ ترین گاوا ی دنیا هستیم !	رئیس مزرعه
۳۲	You have come to the wrong place .	صد بار گفتم جای من نخواب ! این هزار و سیصد و شونزده بار !	رئیس مزرعه
۳۳	Oh, man ! Man, oh , man.	اوه، بچه ها ای داد، ای بی داد ای داد، ای با داد ! بامداد !	رئیس مزرعه
۳۴	Oh , milk me .	غلط کردم. دیگه شیر خوری نمی کنم.	رئیس مزرعه
۳۵	I ll bring you back a drink or something .	وقتی برگشتم ، به چیزی واست میارم بخوری، مثلا یونجه برفکی !	رئیس مزرعه
۳۶	You are a big meanie .	تو خیلی پدر سوخته ای !	رئیس مزرعه
۳۷	Themtiny .	شغال زپرتیای فسقلی !	رئیس مزرعه
۳۸	I got it . I got it !	کسی نیاد جلو ! این فیتله مال خیکیه !	رئیس مزرعه
۳۹	Chubbaface , you crazy cow !	عروسکی ، گنده بکی ، واسه دل کوچیکم تکی !	رئیس مزرعه
۴۰	Say I m smooshy . I m smooshy !	بگو من نازگلم ، من شاسگولم !	رئیس مزرعه
۴۱	Gotcha !	دمبتو گرفتم !	شنل قرمزی
۴۲	What s that smell ?	می کشی دهنتو یا پوزبند می خوای؟	شنل قرمزی
۴۳	This player -hater	این جوجه فکلی !	شنل قرمزی
۴۴	Yeah baby!	جوونمی جوون !	شنل قرمزی

جدول ۶. جایگزین کردن اصطلاحات عمومی انگلیسی با اصطلاحات و تعبيرات عامیانه فارسی

شماره	اصطلاح عمومی انگلیسی	اصطلاح یا تعبير عامیانه فارسی	عنوان فیلم
۱	Got a way to back up this?	مدرک داری بذار تنگش !	شنل قرمزی
۲	My mom s half-loon.	ننه مام خدا بیامرز، مخش تاب داشت !	شنل قرمزی
۳	Howdy partner.	بزت به چاک ، ریفیق !	شنل قرمزی

۴	Who is the bandit?	دزده کدوم خریه؟!	شنل قرمزی
۵	Are you telling me we re back to square one?	تو از اول شب داری واسمون لترانی می خونی. حلام برگشتی سر خونه اول؟	شنل قرمزی
۶	What is he saying?	چی بلغور کردی؟	شنل قرمزی
۷	What is it boy?	عینهو آدم بنال!	شنل قرمزی
۸	That hurts.	دماغ سوخته خریداریم!	شنل قرمزی
۹	Never!	آره، تو بمیری زائیدی!	زییس مزرعه
۱۰	Didn t we all know that?	ببند فکوا!	رئیس مزرعه
۱۱	That s nice , Dad!	باشه، الاغ دانا! بابا!	رئیس مزرعه
۱۲	All righty !	ای باغت آباد انگوری!	رئیس مزرعه
۱۳	Oh man, you are killing me dude!	آی کیو! حالا ما ی چیزی گفتیم ها!	رئیس مزرعه
۱۴	Only one old fat you !	تو یالغوز ابله تک و تنهایی!	رئیس مزرعه
۱۵	Would you stop? Come on!	ول کن! عجب آویزونی هستی!	رئیس مزرعه
۱۶	Congratulation, boss!	تبریک می گم آقای رئیس! نوکرم!	رئیس مزرعه
۱۷	Give me a piece of wood over there.	شیطونه می گه بزئم همشونه شل و پل کنم!	رئیس مزرعه
۱۸	What else was I gonna do?	می خواستی چیکار کنم، نغله؟!	رئیس مزرعه
۱۹	Hey, whoa, no !	هی! زکی! اینو!	رئیس مزرعه
۲۰	Right? Yeah !	نه! نکمه!	رئیس مزرعه
۲۱	I hear the music over there .	ای وای بازم صدای مزغون و دامبول و دبمبولشون میاد!	رئیس مزرعه
۲۲	Come on, move it !	د زود باش! تکون بده اون خیک پهنو!	رئیس مزرعه
۲۳	No, I mean sure . I no mind you.	مزاحم سگ کیه؟!	رئیس مزرعه
۲۴	Could you just not say anything?	می شه لطف کنی و اون گاله ات رو ببندی؟	رئیس مزرعه
۲۵	No way, no way !	عمرا! صد سال سپاه!	رئیس مزرعه
۲۶	Shoot ! I told you they can smell it. !	مرده شور ببره! گفتم که بوش بهشون می رسه	رئیس مزرعه
۲۷	Here we come !	بزئ گاراژ که ما اومدیم!	رئیس مزرعه
۲۸	Just take the bowl !	چقد می لمبونی؟ یاالله بدو دیگه!	رئیس مزرعه
۲۹	All right . Let s go .	جوون جفت سبیللات پایه ام!	رئیس مزرعه
۳۰	Sure you were !	آره جوون خودت!	رئیس مزرعه
۳۱	Second	مساله دویم!	رئیس مزرعه

۳۲	Let s hit it !	عرایض تموم !	رئیس مزرعه
۳۳	Human articles	کالای انسونی !	رئیس مزرعه
۳۴	Have some fun.	یخده خوش میذگرونیم !	رئیس مزرعه
۳۵	Thanks Pop! You re the best!	ای دمت گرم ! حرف نری !	رئیس مزرعه
۳۶	There s no way this is happening .	عمرا من این کارو نمی کنم. اصلا راه نره !	رئیس مزرعه
۳۷	Chopper	هلی کوفتر !	رئیس مزرعه
۳۸	Wait !	یو ، یوخده صب کن ببینم !	رئیس مزرعه
۳۹	All right , come on . Give me your best shot!	زپلشت ! هه هه رخصت !	رئیس مزرعه
۴۰	Have you seen Otis?	اوتیس رو این دور ورا نی یدی ؟	رئیس مزرعه
۴۱	Phone	تلیفون !	رئیس مزرعه
۴۲	Actually,	راسیاتش !	رئیس مزرعه
۴۳	Whatch got? You got nothing cause I got it right. Here you picking on my friends?	خب چی میگی؟ این گوی و این میدون. به رفیقای من گیر می دی؟ مگه خودت خوار مادر نداری؟	پاندای کونگ فوکار
۴۴	Don t tempt me!	اون رومو بالا نیار !	پاندای کونگ فو کار
۴۵	It was a stupid dream !	آخه کار بچه فوفولا بود !	اندای کونگ فوکار
۴۶	Tough job!	من حتا نمی تونم تمبونمو بالا بکشم !	پاندای کونگ فوکار

جدول ۷. جایگزین کردن آهنگ های انگلیسی با آهنگ های قدیمی یا بومی ایرانی

شماره	اصل متن انگلیسی فیلم	آهنگ قدیمی یا بومی ایرانی جایگزین شده	عنوان فیلم
۱	Well, I won t back down. No, I won t back down . You can stand me up at the gate of hell, but I won t back down. Gonna stand my ground. Won t be turned around, and I ll keep this world from dragging me down. Gonna stand my ground.	من همونم که یه یروز می خواستم دریا بشم. می خواستم بزرگترین دریای دنیا بشم. آرزو داشتم برم تا به دریا برسم. شبو آتیش بزنم تا به فردا برسم... [خواننده، حسن شماعی زاده ، خواننده ایرانی قبل از انقلاب اسلامی ایران]	رئیس مزرعه
۲	Buck teeth, bark in my claws I m a tree critter Sticks and stones are my bread and bones I m a tree critter	لب کارون، آخ آخ چه گل بارون می شه وقتی که میشن دلدارون تو شط تو بعد از ظهرا ، غوغا می شه	شنل قرمزی

		می خونن نغمه ها توی ایوون [خواننده، نعمت الله آغاسی، خواننده قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران]	
۳	Ba baba-da ba ° da Ba baba	دیری ری ری ، دیری ، دیری ری ری ، [بخشی از آهنگ سستی و بومی ایرانی «بادا بادا مبارک بادا »]	شنل قرمزی
۴	I got horns that hold the muffins And I got horns that hold the pies	بخشی از آهنگ محلی فولکلوریک خراسانی «یه دونه انار، دو دونه انار ، سیصد دونه مروارید» " آفتاب لب بوم نور افشونه سماور جوشه یارم تنگ طلا دوش گرفته، غمزه می فروشه »	شنل قرمزی
۵	Happily ever after agency ^۴	بخشی از ترانه کودکانه ایرانی «عروسک قشنگ من قرمز پوشیده "	شنل قرمزی
۶	In the woodie with the goodies for the Jacks and Jills ^۴	بخشی از یک تصنیف فولکلوریک ایرانی با مطلع شعر «از قند و عسل ساخته ام جوجه خروس "	شنل قرمزی

جدول ۸. حذف عناصر زبانی فرهنگی غربی

شماره	متن انگلیسی مورد استفاده در فیلم	عبارت یا جمله حذف شده	عنوان فیلم
۱	I am Lutheran.	حذف شده	رئیس مزرعه
۲	I can t even reach mine.	حذف شده	رئیس مزرعه
۳	There is an « L on this boy s forehead.	حذف شده	رئیس مزرعه
۴	Otis? Are we supposed to not yell Rock ?	حذف شده	رئیس مزرعه
۵	We can t yell «Tree « or «ROCK	حذف شده	رئیس مزرعه
۶	Yeah, I should really go, Mr. Jordan Air.	حذف شده	رئیس مزرعه
۷	You know me , Ladykiller.	حذف شده	رئیس مزرعه
۸	I say «Niffy . I do, and sometimes even «Swiftly I ll say that.	حذف شده	رئیس مزرعه
۹	I m Bombastic, Really fantastic Mr. Boom , Boom, Boom. Boom	حذف شده	رئیس مزرعه
۱۰	Imagine, me making tofu?	حذف شده	پاندای کونگ فو کار
۱۱	Property of Crane	حذف شده	پاندای کونگ فو کار
۱۲	I ve seen enough.	حذف شده	پاندای کونگ فو کار
۱۳	I could come at you Monkey style, or I m coming at yasnikity- snake	حذف شده	پاندای کونگ فو کار
۱۴	The Battle of Weeping River .	حذف شده	پاندای کونگ فو کار

۱۵	Far away places?	حذف شده	شنل قرمزی
۱۶	Paul s Bunion Cream has a soothing formula	حذف شده	شنل قرمزی
۱۷	These tunnels, I need one that leads to Pucket Grove	حذف شده	شنل قرمزی
۱۸	Greg Stiltskin	حذف شده	شنل قرمزی
۱۹	The Muffin Man	حذف شده	شنل قرمزی
۲۰	Battle of the Iron Cage Gladiators	حذف شده	شنل قرمزی

جدول ۹. عبارت یا عباراتی که در متن انگلیسی فیلم‌نامه وجود ندارند

شماره	عبارت یا عبارات متن اصلی انگلیسی	متن ترجمه فارسی فیلم‌نامه	عنوان فیلم
۱	وجود ندارد	ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری	رئیس مزرعه
۲	وجود ندارد	بس که زدم من زیر آواز به کنج این جنگلا	رئیس مزرعه
۳	وجود ندارد	پر پرواز می خواستی که پریدی مگه نه؟ من آمده ام وای! حالا دارم می رم!	رئیس مزرعه
۴	وجود ندارد	آی ننه!	شنل قرمزی
۵	وجود ندارد	بابا تو دیگه کی هستی؟	شنل قرمزی
۶	وجود ندارد	دستای من شده ده تا! شصتای اون شده ده تا! آخ جوون! با قال محل، آخ جوون!	شنل قرمزی
۷	وجود ندارد	هی نفتی، نفتی، نفتی!	شنل قرمزی
۸	وجود ندارد	آخ جون! آخ جون! دام دارم، آخ جون!	شنل قرمزی
۹	وجود ندارد	امشب که شیر شیرم، از خوشحالی می میرم!	شنل قرمزی
۱۰	وجود ندارد	چرا من همچینک می شم؟ چرا آخه این جور می شم؟ چه خوابی دیدم خدا می دونه!	شنل قرمزی
۱۱	وجود ندارد	فکر می کنی به همین راحتی راز قدرت بی نهایت رد می دارم توی دست توی بی عرضه؟ هان؟	پاندای کونگ فوکار
۱۲	وجود ندارد	این قد نزدیک نیا، دهننت بو می ده!	پاندای کونگ فوکار
۱۳	وجود ندارد	شیفوی شاخ پشمکی، گوش پشمکی!	پاندای کونگ فوکار
۱۴	وجود ندارد	الفرار! هوار! اینا می خوان منو به کشتن بدن، بابا شله پز!	پاندای کونگ فوکار
۱۵	وجود ندارد	بیا جلو گوگولی!	پاندای کونگ فوکار

۱۶	وجود ندارد	حالا دیگچه بزون! ببینم کیفور شدی؟ آره؟ چه بکونم؟ فکر کن غداس! آره نون لواش!	پاندای کونگ فو کار
۱۷	وجود ندارد	کاسه را بگیر تا تنبانت سفت کنم!	پاندای کونگ فو کار
۱۸	وجود ندارد	چقد می لمبونی؟ یا الله، بدو دیگه!	پاندای کونگ فوکار
۱۹	Uh, I guess so!	چاکر غلام شومام!	پاندای کونگ فو کار
۲۰	وجود ندارد	یه ضرب المثل قدیمی هس که می گه شتر در خواب بیند رشته برشته، باباش بزغاله کشته	پاندای کونگ فوکار
۲۱	وجود ندارد	توی دست توی بی عرضه؟ هان؟	پاندای کونگ فو کار
۲۲	وجود ندارد	حال من که به هم می خورره!	پاندای کونگ فو کار
۲۳	وجود ندارد	جوون مادرت این کارو نکن!	پاندای کونگ فو کار
۲۴	وجود ندارد	جان نثار خدمتون ارادت ویژه دارم	پاندای کونگ فو کار
۲۵	وجود ندارد	آدم نمی دونه روی این ماریچی ها بندری برقصه یا الویه! آی، آی، اوفی، این ور دلم	پاندای کونگ فو کار

۶. بحث و نتیجه‌گیری

حال، چنانچه در پی یافتن پاسخ دو پرسش پژوهش مورد اشاره در بالا، نگاهی اجمالی به جداول هشت‌گانه بالا بیندازیم، خواهیم دید که مترجمان (و نیز مدیران دوبلاژ) ایرانی برای غرابت‌زدایی از مفاهیم و مطالب متن زبان مبدأ و همچنین بومی‌سازی مطالب این گونه فیلم‌ها، عمدتاً از سه ترفند یا رویکرد بهره برده‌اند:

- جایگزین ساختن واژه‌ها و اصطلاحات زبان مبدأ (انگلیسی) با همسانانی از زبان مقصد (فارسی) (جدول ۲ تا ۷)؛
- افزودن کامل آوا، واژه، ترکیب و اصطلاحی در زبان مقصد در برابر آنچه که در فیلم‌نامه زبان مبدأ وجود ندارد (جدول ۹)؛
- حذف نسبی یا کامل آوا، واژه، ترکیب یا اصطلاح زبان مبدأ و سایر عناصر زبانی فرهنگی غیربومی در زبان مقصد (جدول ۸).

چنانچه بخواهیم با اعداد و ارقام نسبت و تناسب بهره‌گیری از هر یک از این ترفندها را نشان دهیم، خواهیم دید که مجموعاً در هر سه فیلم ۱۳ مورد جایگزین‌کردن خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های غربی با خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های بومی ایرانی به چشم می‌خورد (جدول ۲)،

۲۳ مورد جایگزین کردن لهجه‌ای اجتماعی با لهجه‌ای اجتماعی/جغرافیایی ایرانی (جدول ۳)، ۲۵ مورد جایگزین کردن یک تعبیر غیراصطلاحی انگلیسی با یک تعبیر اصطلاحی فارسی (جدول ۴)، ۴۴ مورد جایگزین کردن تعبيرات غیراصطلاحی انگلیسی با برساخته‌های اصطلاحی و عامیانه فارسی (جدول ۵)، ۴۶ مورد جایگزین کردن اصطلاحات عمومی انگلیسی با اصطلاحات و تعبيرات عامیانه فارسی (جدول ۶)، ۶ مورد جایگزین کردن آهنگ‌های انگلیسی با آهنگ‌های قدیمی یا بومی ایرانی (جدول ۷)، و ۲۵ مورد افزودن عناصر زبانی غیر موجود در فیلم‌نامه متن انگلیسی مبدأ (جدول ۹).

حال چنانچه با دقت باز هم بیشتری به این یافته‌ها و ارقام و آمار بنگریم، در خواهیم یافت که به نظر می‌رسد «بومی‌سازی» مطالب عمدتاً از طریق «جایگزین‌سازی» و به‌ویژه از طریق سه ترفند مورد مشاهده در جدول‌های ۴، ۵ و ۶ انجام می‌گیرد؛ به ترتیب، با بسامد ۲۵ مورد، ۴۴ مورد و ۴۶ مورد. به سخن دیگر، به نظر می‌رسد که مترجمان ایرانی این فیلم‌ها کوشیده‌اند تا برای نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر مطالب فیلم‌ها و به‌ویژه مخاطبان اصلی این گونه فیلم‌ها، یعنی نوجوانان و جوانان به فضای زبانی فرهنگی ایرانی، فیلم‌نامه‌ها را در جاهای مختلف و با درجات مختلف غرابت‌زدایی کرده و سپس با ترفندهایی آن‌ها را بومی‌سازی کرده تا تأثیری ماندگارتر (و به‌ویژه، سرگرم‌کننده) بر جای بگذارند. به این ترتیب، گمان می‌رود نتایج کلی این پژوهش در راستای تأیید تعریف ونوتی از بومی‌سازی مطالب ترجمه‌شده از یک زبان مبدأ به زبان مقصد دیگر باشد چرا که از نظر وی «بومی‌سازی» عبارت است از «فرآیند تبدیل قوم‌محور یک متن بیگانه با ارزش‌های فرهنگی زبان مقصد به نحوی که گویی پدیدآورنده اصل اثر مخاطبان فضای فرهنگی‌زبانی مقصد را مد نظر داشته است» (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۲۰). طبیعی است ترجمه فرآورده‌های فرهنگی، همچون فیلم‌های کارتونی، نیازمند ترجمه اصطلاحات و تعبيراتی است از زبان و فرهنگ غیربومی که در صورت موفقیت مترجم در انجام درست این امر، می‌تواند به‌درستی از تحمیل ارزش‌ها، اعتقادات، رسوم و نمادهای غیرخودی بر زبان و فرهنگ خودی پیشگیری نماید.

در واقع، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ترجمه و دوبله فیلم‌های بیگانه مورد نظر به‌گونه‌ای صورت گرفته که گویی فیلم‌نامه‌ها در اصل به فارسی نوشته شده‌اند؛ روند

نزدیک‌سازی مفاهیم فرهنگی‌زبانی موجود در فیلم‌نامه‌های انگلیسی به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی با دقت و ظرافت بسیاری صورت گرفته تا به نوعی انطباق گفتمانی میان‌زبانی ضروری برای انتقال مفاهیم و مسائل فیلم‌ها صورت گیرد. از آنجا که مهم‌ترین نقش این گونه فیلم‌ها نه فقط صرف انتقال اطلاعات و دانش بلکه «سرگرم‌سازی» مخاطب به نظر می‌رسد، در نتیجه مترجمان فیلم‌نامه‌ها در مواردی به‌ناچار از اصول متعارف ترجمه چشم پوشیده و فیلم‌نامه‌ها را به صورت آزاد و عمدتاً با هدف بومی‌سازی هرچه بیشتر فیلم به فارسی برگردانده‌اند. این اقدام ظاهراً با رویکرد ینگ^۱ (۲۰۱۰) همخوانی دارد که هدف ترجمه را فقط و فقط محدود به انتقال و انتشار اطلاعات نمی‌داند.

در هر صورت، در ارتباط با پاسخ پرسش شماره ۲ این تحقیق می‌توان گفت با توجه به تجمع بسامدهای چشمگیر سه ترفند مورد اشاره در جدول‌های ۴، ۵ و ۶ به نظر می‌رسد می‌توان ادعا کرد که مترجمان ایرانی این گونه فیلم‌ها دارای این «گرایش» هستند که متن فیلم‌نامه‌های انگلیسی را با استفاده حداکثری از تعبیرات اصطلاحی، عامیانه‌ها، و کوچه‌بازاری‌های فارسی و ضرب‌المثل‌های بومی ایرانی برای مخاطب عمدتاً نوجوان و جوان ایرانی باورپذیرتر ساخته و بومی‌نمایانه‌تر کنند. به این ترتیب، این سخن ما همسو با دیدگاهی است که برخی آن را در چهارچوب مبحث کلی «ارجاعات فرهنگی ویژه»^۲ مورد بحث قرار داده‌اند (چپارو، ۲۰۰۹) و برخی دیگر آن را با اصطلاحاتی مانند «پیوندزنی فرهنگی»^۳ یا «انطباق فرهنگی»^۴ دستمایه تحقیق و نظریه‌پردازی قرار داده‌اند (هروی و هیگینز، ۱۹۹۲)؛ یعنی فرآیندی که در طی آن مترجم می‌کوشد عناصر زبان و فرهنگ غیرخودی را با ترفندهایی به صورت بافتارمند شفاف، باورپذیر، و دلنشین در زبان خودی بومی سازد.

از سوی دیگر، از آنجا که براساس این پژوهش این گمانه مطرح شد که گویی «هدف» مترجمان (و نیز مدیران دوبلاژ) ایرانی عمدتاً «سرگرم‌سازی مخاطبان» (و به‌ویژه مخاطبان

-
1. Yang
 2. Culture- specific references
 3. Cultural transplation
 4. Cultural transposition
 5. Hervey & Higgins

نوجوان و جوان) ایرانی است، در نتیجه شاید بتوان این یافته‌ها را در پرتو «نظریه هدفمندی»^۱ که توسط ورمیر^۲ (۱۹۸۴، ۲۰۰۴) مطرح شده نیز به بوته نقد و بررسی کشاند؛ چرا که می‌دانیم براساس این نظریه «ترجمه، عملی است هدفمند که هدف آن معطوف به متن مقصد است؛ به این معنا که اولویت را به هدف مفروض/علنی مترجم حقیقی یا حقوقی در زبان و فرهنگ مقصد می‌دهد». از این روست که از این دیدگاه، هدف ارتباطی ترجمه دستیابی به ترجمه‌ای مبتنی بر برابری تنگاتنگ^۳ با متن مبدأ نیست چرا که این نوع ترجمه برای ارزیابی شایسته متن مقصد ضرورتاً مناسب به نظر نمی‌رسد، بلکه در حقیقت متن مقصد باید در عین وفاداری نسبی به متن مبدأ، آن‌چنان یکدست باشد که مخاطب زبان و فرهنگ مقصد آن را درک کند (شاتلورث و کاوی^۴، ۲۰۱۴، ص. ۱۵۶).

در عین حال، با توجه به یافته دیگر این پژوهش که اعلام می‌کند ترجمه این فیلم‌ها به‌گونه‌ای با ظرافت صورت گرفته که تماشاگر فیلم‌ها، «حضور» و «پیدایی» مترجم را احساس نمی‌کند، در این مورد نیز به نظر می‌رسد این ادعا در چهارچوب نظریه لارنس ونوتی موسوم به «ناپیدایی مترجم»^۵ نیز قابل تفسیر باشد؛ چرا که به گفته ونوتی «همین ناپیدایی مترجم است که باعث می‌شود تا متن زبان مبدأ در زبان مقصد بومی گردد، و در عین حال بیگانه بودن متن مبدأ نیز به چشم نخورد» (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۱۶-۱۷).

۶.۱. کاربست‌ها و پژوهش بیشتر

هرچند این پژوهش نمی‌تواند با قاطعیت ادعا کند که یافته‌های حاصل، قابل تعمیم به سایر موارد مشابه می‌باشند ولی می‌توان براساس تهیه و تدوین پیکره زبانی فراگیرتری از این گونه موارد، نتایج به‌دست‌آمده را مورد راستی‌آزمایی دقیق‌تر قرار داد. همچنین، بدیهی است می‌توان اعلام کرد این یافته‌ها به‌صورت بالقوه می‌تواند به ترجمه فیلم‌نامه‌ها کمک کرده و باعث تقویت و ارتقای جایگاه صنعت ترجمه و دوبله فیلم‌ها شود. علاوه بر این، می‌توان از این یافته‌ها برای

1. Skopos theory
2. Vermeer
3. Close equivalence
4. Shuttleworth & Cowie
5. Translator s invisibility

کندوکاو علل توفیق و یا عدم توفیق ترجمه و دوبله فیلم‌های مشابه بهره‌برداری کرد. دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی، به‌ویژه در درس‌های ترجمه فیلم و نوار ۱، ۲، و ۳، نیز می‌توانند از نتایج این پژوهش و یافته‌های آن استفاده کنند. همچنان‌که نظریه‌پردازان مسائل ترجمه نیز ممکن است از نتایج و یافته‌های آن بهره‌گیرند. از سوی دیگر، برای تکمیل نتایج به‌دست‌آمده می‌توان با انجام پژوهش‌های پیشنهادی زیر به پربارتر شدن هرچه بیشتر این زمینه تحقیق کمک کرد:

- نظرخواهی از مترجمان و مدیران صداپیشگی / دوبلاژ در مورد محاسن و معایب این گونه ترفندها؛
- نظرخواهی از زبان‌شناسان در مورد اهمیت و محاسن و معایب این گونه ترفندها؛
- نظرخواهی از بینندگان و مخاطبان عمده این نوع فیلم‌ها؛
- ارزیابی دقیق این ترجمه‌ها از نظر انطباق با اصول کلی ترجمه اصطلاحات؛
- مقایسه تشابه و تفاوت نحوه به‌کارگیری این گونه ترفندها در ترجمه‌ها و دوبله‌های استودیوهای خصوصی در مقابل ترجمه‌ها و دوبله صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران؛ چرا که به‌طور معمول صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در ترجمه و دوبله این گونه فیلم‌ها از نظر زبانی و فرهنگی محافظه‌کارانه‌تر از استودیوهای خصوصی عمل می‌کند.

کتابنامه

قمی، پ. (۱۳۸۸). راهبردهای دوبله کدهای بیانگر در کارتون از انگلیسی به فارسی. *مطالعات ترجمه*، ۷(۲۵)، ۶۶-۴۹.

- Bruzdziak, E. M. (2009). Shifts in meaning in humour translation as exemplified by the Polish translation of 'Shrek'. Unpublished MA thesis, University of Gdansk, Gdansk.
- Burczynska, P. (2012). Translation of cultural items in dubbed animated comedies. *Translation Journal* 16(4), October. Retrieved from
- Chiaro, D. (2009). Issues in audiovisual translation. In Jeremy Munday (Ed.) *The Routledge companion to translation studies* (pp 141-165). London & New York: Routledge.

- Denton, J. & Debora Ciampi (2012). A new development in the translation studies: Focus on target audience perception. *LEA ° Lingue e letterature d'Oriente e d'Occidente*, vol. 1, no. 1, pp 399-422. Retrieved from
- Diaz- Cintas, J. (Ed.) (2008). *The dialects of audiovisual translation*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Company.
- Gall, L. (2008). *Translating humour across cultures: Verbal humour in animated films*. Oradea: Partium Christian University.
- Hellgren, E. (2007). *Translation of allusions in the animated cartoons: The Simpsons*. Unpublished MA thesis. University of Helsinki, Helsinki.
- Hervey, S. & Ian Higgins (1992). *Thinking translation: A course in translation method: French to English*. London: Routledge.
- <http://www.fupress.com/bsfm-lea/viewarticle/download/12469/11788.htm>
- <http://www.translationjournal.net/journal/62dubbing.htm>
- Jamalimanesh, A. R., Fathollahi, M. & Rahkhoda, R. (2010/1389). Explication strategy in subtitling: The case of English movies with Persian subtitles. In Hasan Emami (Ed.) *Proceedings of the First National Conference on Translation Studies* (P. 56). Birjand: Nashr-e Saagheb.
- Javadi, P. (2010/1389). *A study of translation of humor in English-Persian dubbed cartoons*. Unpublished M.A. thesis, Isfahan University, Isfahan, Iran.
- Molina, L. & Hurtado Albir, A. (2002). Translation techniques revisited. *Meta*, 12(2), 498- 512.
- Nachkebia, T. (2012). Peculiarities of translation of a cartoon (on the example of the Georgian translation of 'Madagascar'). *Spekali*. Retrieved from <http://www.spekali.tsu.ge/index.php/en/article/viewabstract/6/57>
- Orero, P. (Ed.) (2004). *Topics in audiovisual translation*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Company.
- Perez Gonzalez, L. (2011). Audiovisual translation. In Mona Baker & Gabriela Saldanha *Routledge encyclopedia of translation studies* (pp 13-20). London & New York: Routledge.
- Ramieri, N. (2006). Reaching a foreign audience: Cultural transfer in audio-visual translation. *The Journal of Specialized Translation*, Issue 6(pp. 152- 166).
- Shuttleworth, M. & Moira Cowie (2014). *Dictionary of translation studies*. London & New York: Routledge.
- Song, C. (2012). Creativity in translating cartoons from English into Mandarin Chinese. *The Journal of Specialized Translation*, 17(2), pp 124-135.
- Tymoczko, M. (1995). *Translation in postcolonial context. Early Irish literature in English translation*. Manchester: St. Jerome Publishing.
- Ulrych, M. (2000). Domestication and foreignization in film translation. Christopher Taylor (ed. (PP. 127 ° 144). *Tradurre il cinema*. Trieste: Dipartimento di Scienze Del Linguaggio dell'interpretazione.
- Venuti, L. (1995) (6th ed.). *The translator's invisibility: A history of translation*. London & New York: Routledge.

- Vermeer, H. J. (1989/2004). Skopos and commission in translational action, English trans. A. Chesterman, in A. Chesterman (ed.), Readings in translation theory, Helsinki: Oy Finn Lectura Ab, pp. 173-178, reprinted in L. Venuti (ed.) The translation studies reader, 2nd edition. London & New York: Routledge.
- Vinay, J. & Jean Darbelnet (1995). Comparative stylistics of French and English: A Methodology for translation (translated and edited by Juan C. Sager & M. ° J., Hamel). Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins Publishing Company [Translation of Vinay & Darbelnet 1958].
- Yang, W. (2010). Brief study of domestication and foreignization in translation. Language Teaching and Research, 1(1), 77-79.

Transcript of scripts

- Barnyard (2006). Steve Odkerk (director), O Entertainment (producer). [Script obtained November 3, 2015]. Available at: <http://www.imsdb.com/scripts/Barnyard.html>.
- Hoodwinked (2005). Cory Edwards (director), Katie Hooten (producer). [Script obtained November 3, 2015]. Available at: <http://www.imsdb.com/scripts/Hoodwinked.html>.
- Kungfu Panda (2008). Mark Osborne (director), Paramount Pictures (producer). [Script obtained November 3, 2015]. Available at: [http://www.imsdb.com/scripts.Kungfu_panda.html](http://www.imsdb.com/scripts/Kungfu_panda.html).

